

گزارش کامل ماجرای تسبیحات حضرت زهرا (س) از بحار الانوار

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار) ترجمه روحانی؛ ص ۳۸۸ تا ۳۹۰

[متن عربی]

۸/۲۳۰- **فِي الصَّحِيحَيْنِ** إِنَّ عَلِيًّا قَالَ أَشْتَكِي مِمَّا أُنْدَأُ بِالْقُرْبِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع وَاللَّهِ إِنِّي أَشْتَكِي يَدِي مِمَّا أَطْحَنُ بِالرَّحَى وَكَانَ عِنْدَ النَّبِيِّ ص أُسَارَى فَأَمَرَهَا أَنْ تَطْلُبَ مِنَ النَّبِيِّ ص خَادِمًا فَدَخَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ ص وَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَرَجَعَتْ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا لِكَ قَالَتْ وَاللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَكَلِمَ رَسُولَ اللَّهِ ص مِنْ هَيْبَتِهِ فَاذْهَبْ عَلَيَّ مَعَهَا إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهُمَا لَقَدْ جَاءَتْ بِكُمْ حَاجَةٌ فَقَالَ عَلِيٌّ مَجَارَاتُهُمَا فَقَالَ ص لَا وَلَكِنِّي أَبِيعُهُمْ وَأَنْفِقُ أُمَّتَهُمْ عَلَى أَهْلِ الصُّفَّةِ وَعَلَّمَهَا تَسْبِيحَ الزُّهْرَاءِ

كِتَابُ الشَّيْرَازِيِّ أَنَّهَا لَمَّا ذَكَرَتْ حَالَهَا وَسَأَلَتْ جَارِيَةً بَكَى رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنَّ فِي الْمَسْجِدِ أَرْبَعِمِائَةَ رَجُلٍ مَا لَهُمْ طَعَامٌ وَلَا ثِيَابٌ وَلَا خَشِيئَةٌ خَصَلَةٌ لَا أُعْطِيكَ مَا سَأَلْتِ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي لَا أُرِيدُ أَنْ يَنْفَكَ عَنْكَ أَجْرُكَ إِلَى الْجَارِيَةِ وَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَخْصِمَكَ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ع يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا طَلَبَ حَقَّكَ مِنْكَ ثُمَّ عَلَّمَهَا صَلَاةَ التَّسْبِيحِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَضِيئِ تَرْيَدِينَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّنْيَا فَأَعْطَانَا اللَّهُ تَوَابَ الْأَحْرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ فَلَمَّا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِنْدِ فَاطِمَةَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ **وَأَمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها** يُعْنِي عَنْ قَرَابَتِكَ وَابْنَتِكَ فَاطِمَةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ يُعْنِي طَلَبَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ يُعْنِي رِزْقًا مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها **فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا** يُعْنِي قَوْلًا حَسَنًا فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ أَنْفَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَارِيَةً إِلَيْهَا لِلْخِدْمَةِ وَسَمَّاهَا فِضَّةً

ترجمه:

ابن شهر آشوب^۳ گوید: در صحیح بخاری و مسلم آمده:

علی علیه السلام آنقدر با مشك آب كشيده بود كه از دشواری این كار شكایت داشت پس حضرت فاطمه علیها السلام به او گفت: من هم از كثرت كار با آسیا و دشواری آن خسته گردیده‌ام. و از آن جهت كه در آن ایام اسیرانی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت:

از پیامبر بخواه كه یکی از این اسیران را به عنوان خادم در اختیارت قرار دهد. فاطمه علیها السلام به حضور پیامبر رفت، سلام كرد ولی از اظهار حاجت حیا نمود و لذا بدون آنكه سخنی بگوید مراجعت كرد. علی علیه السلام به او گفت: چه كردی؟

فاطمه علیها السلام گفت: به خداوند سوگند وقتی كه هیبت پیامبر را دیدم نتوانستم با او سخن بگویم.

پس علی و فاطمه علیهما السلام با يك دیگر نزد پیامبر رفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها گفت: گویا شما دو نفر چیزی می خواهید؟

علی علیه السّلام گفت: خادمه‌ای برای فاطمه می‌خواهیم.

پیامبر فرمود: من این کار را انجام نمی‌دهم و تصمیم دارم آن اسیران را بفروشم و پول آن را برای اهل صفّه انفاق نمایم. و به علی و فاطمه علیهما السّلام تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را آموخت.

ابن شهر آشوب گوید: در کتاب ابو بکر شیرازی آمده:

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السّلام حال خود را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم بیان کرد و خادمه را مطالبه کرد، رسول خدا گریه کرد و گفت: دخترم! سوگند به آن که مرا مبعوث نموده، چهار صد مرد فقیر در مسجد زندگی می‌کنند که نه غذا دارند و نه لباس، و من اگر از خصلتی نمی‌ترسیدم حتما آنچه را که خواستی به تو می‌بخشیدم، ای فاطمه! من نمی‌خواهم که اجر و ثواب تو نصیب کنیز گردد^۴ همانا می‌ترسم که علی در روز قیامت حقّ خود را از تو مطالبه نماید. و سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نماز تسبیح را به فاطمه آموخت و علی علیه السّلام فرمود: ای فاطمه! نزد رسول خدا آمدی تا حاجت دنیویت را برآورده سازد ولی خدای مهربان ثواب اخروی را به ما عطا نمود.

ابن شهر آشوب گوید: ابوهریره گفته:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم از نزد حضرت فاطمه علیها السّلام خارج شد آیه ۲۸ از سوره اسراء نازل شد که می‌فرماید: «اگر از ایشان اعراض کردی که رحمت پروردگار شامل حالت شود، پس لا اقل در جواب آنان سخن نیکو و شایسته بگو»، و منظور از رحمت پروردگار در این آیه همان رضایت خداوند است که رسول خدا برای جلب آن به دخترش پاسخ منفی داد، پس هنگامی که این آیه نازل گردید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم کنیزی را برای خدمت به فاطمه علیها السّلام در نظر گرفته و به خانه دخترش فرستاد که نامش فّصّه بود.^۵

^۱ (۱) سوره اسراء، ۲۸.

^۲ (۲) سوره اسراء، ۲۸.

^۳ (۳) مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳ ص ۳۸۹ و ۳۹۰.

^۴ (۴) از این بیان آن بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلّم معلوم شد که انجام کارخانه اجر و ثواب دارد و اگر آن را کنیز انجام دهد، چیزی از اجر و پاداش مذکور نصیب زن نمی‌گردد.

^۵ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا علیها السّلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.